ایرانشهر
شهروند
۴
دوشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۹۸ | سال هفتم | شماره ۱۶۶۳
www.shahrvand-newspaper.ir

هر کسی که در خانه شما حضور دارد باید بداند هنگام وقوع زلزله چه اقدامی انجام دهد حتی اگر شما موقع وقوع حادثه آنجا نباشید.

اجرای پنجشنبه‌های گردشگری با اتوبوس‌های رنگی

رئیس ستاد گردشگری شهر تهران از اجرای طرح پنجشنبه‌های گردشگری در پایتخت خبر داد. مهدی سیف با بیان این که نوروز امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل میزان بازدید از تهران افزایش یافته است، گفت: «قطعا بخشی از این افزایش تعداد بازدیدکنندگان مربوط به اقدامات شهرداری تهران است.» به گزارش ایسنا، او با بیان این که ۱۱ کانتر استقبال از مسافران در مبادی ورودی شهر تهران اعم از ریلی، جاده‌ای و هوایی مستقر کردیم که به مسافران اطلاعاتی در مورد جاذبه‌های گردشگری شهر تهران ارایه می‌شد، ادامه داد: «همچنین درصد نقطه شهر تهران فضاهایی را برای ارایه اطلاعات به شهروندان درنظر گرفتیم و برای اولین‌بار نیز خدمات مشاوره گردشگران به صورت رایگان از طریق ۱۳۷ انجام شد.»

قصه آدم‌ها

شما هم برای ما بنویسید
Elnaz.2714@gmail.com

همیشه دری به امید باز می‌شود

از خستگی سرش را به شیشه تکیه داده تا دمی به چشم‌هایش که از خستگی تاب بازماندن ندارند، استراحت بدهد اما سروصدای مترو این فرصت را به چشمانش نمی‌دهند. غرولند کوتاهی می‌کند و بی‌حوصله چشم به بیرون می‌دوزد.

۲۸ سال بیشتر ندارد و اما خستگی زنی ۶۰ساله را می‌توان در چهره‌اش دید. مهسا چشمان سبزش را به بیرون دوخته اما زیر لب چیزهایی کوتاه و نامفهوم می‌گوید؛ از مردها بیزار است و نمی‌خواهد دیگر هیچ مردی را در زندگی‌اش ببیند.

«۱۶ سال بیشتر نداشتم که به اجبار پدرم زن مردی شدم که همه می‌گفتند سر سفره بزرگ شده است و مردی است برای زندگی. دستش به دهانش می‌رسید و برو روی خوبی هم داشت و یکی از مواردی که من را به عنوان همسر انتخاب کرده بود، زیبایی‌ام بود.» مهسا به اینجای حرفش که می‌رسد، سکوت می‌کند و آهی می‌کشد: «کاش زیبا نبودم تا مجبور شوم این همه حقارت را به جان بخرم.» مهسا دو سالی می‌شود که به زندگی مشترکش خاتمه داده است و به قول خودش می‌تواند نفس راحتی بکشد؛ اگر چه او حالا تنها نیست و باید برای دختر کوچکش مادری کند: «هیچ‌کدام از حق و حقوقم را نخواستم و در مقابلش دخترم را طلب کردم. نمی‌توانستم سرنوشت دخترم را به دست پدری مثل او بسپارم.»

ازدواج در سن پایین به مهسا این فرصت را نداده بود تا بتواند تحصیلاتش را تمام کند یا حرفه‌ای بیاموزد. «بعد از طلاقم هم خوشحال بودم هم نگران. هیچ‌کاری بلد نبودم و نمی‌دانستم باید روزی خود و دخترم را چطور تامین کنم اما در اوج ناامیدی هم ایمان داشتم خدا حتما دری به رویم باز می‌کند.» مهسا دو سالی است که در سالن زیبایی کار می‌کند. «کار زیادی بلد نبودم اول برای نظافت استخدام شدم اما یکی از همکاران بندانداختن را یادم داد و همین شده که یک سالی می‌شود که بندانداز شده‌ام. کارم سخت است اما خدا را شکر دستم پیش کسی دراز نمی‌شود.»

خانواده مهسا در شمال زندگی می‌کنند اما مهسا بعد از طلاق دمی نتوانسته آن شهر را طاقت بیاورد و راهی تهران شده است. به کمک خانواده‌اش خانه کوچکی در کرج خریده تا از دست اجاره‌خانه در امان باشد. «از اکثر زنان که می‌پرسید چرا طلاق گرفته‌اید، می‌گویند همسرم معتاد بود، دست بزن داشت، خرجی نمی‌داد و خسیس بود، رفیق باز بود و... اما همسرم هیچ‌کدام از این خصوصیات را نداشت اما کاش خیانت یا اعتیادش باعث جدایی‌مان بود.»

مهسا در همه سال‌های زندگی مشترکش متوجه اخلاق بد همسرش نشد -کودک‌آزاری- تا اینکه یکی از بچه‌ها ماجرا را به والدینش تعریف می‌کند و آنها از همسر مهسا شکایت می‌کنند: «اولین‌بار که موضوع شکایت را شنیدم، در ناباوری محض بودم و نمی‌خواستم چنین چیزی را باور کنم اما این ماجرا واقعی بود و من در همه این سال‌ها متوجه آن نشده بودم.»

البته این شکایت اولین و آخرین شاکی نبوده و به مرور چند شاکی دیگر هم موضوع را به مراجع قضائی اعلام می‌کنند و همین مسأله سبب می‌شود دادگاه راحت طلاق مهسا را بدهد و سرپرستی دخترش هم به او برسد. «ما در شمال زندگی نمی‌کردیم. همسرم را یکی از آشنایان‌مان معرفی کرده بود و بعد از ازدواج به شهر همسرم رفتیم و زندگی مشترکم را آنجا آغاز کردم.» مهسا بی‌اختیار اشک می‌ریزد و ماجرای طلاقش را می‌گوید.

«هیچ‌وقت به دخترم نمی‌گویم چگونه پدری داشته. نمی‌خواهم غرور او هم مثل من بشکند. تمام سعی‌ام را می‌کنم از او زن قوی‌ای بسازم تا تنهایی بتواند از پس زندگی بربیاید.» مهسا بعد از طلاقش تحت نظر پزشک است و هنوز به خاطر طلاقش و دلیل آن به جلسات مشاوره می‌رود تا به سلامت روانش برسد.

رئیس گروه پستانداران در دفتر حیات‌وحش و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست در گفت‌وگو با «شهروند» از آخرین وضعیت گوزن‌های زرد گمشده و تخریب زیستگاه آنها در سیلاب می‌گوید

بعید است گوزن‌ها زنده بمانند

مهتاب جودکی | چهار روز است که گوزن‌های زرد گم شده‌اند. آنها ۲۰ تا ۳۰ رأس بودند؛ بازمانده آخرین زیستگاه طبیعی گوزن‌های زرد در ایران. سیلاب وحشی این آخرین‌ها را هم با خودش برده اما هنوز لاشه‌ای پیدا نشده است؛ بعضی این را نشانه امید می‌بینند که شاید گوزن‌ها به جایی پناه برده باشند و بعضی می‌گویند چهار روز گذشته و هیچ خشکی برای پناه‌گرفتن وجود ندارد. در این روزها که طغیان رودخانه‌ها وضع خوزستان را بحرانی کرده و روستاها در محاصره سیل‌اند، در کنار نگرانی برای جان مردم و تمام داشته‌هایشان- زمین‌های کشاورزی، نخلستان‌ها، دام‌ها-، نگرانی از غرق‌شدن زیستگاه‌ها و حیات‌وحش هم بیراه نیست.

پنجشنبه پیش بود که مدیرکل حفاظت محیط‌زیست خوزستان گفت هیچ‌کس اطلاعی از وضع گوزن زرد در مناطق سیل‌زده دزفول ندارد. محل نگهداری گوزن زرد در میانرود دزفول دچار آبگرفتگی شد، سرمحیط‌بانی ویران شد و به زیر آب رفت، حصارهای اطراف سایت تکثیر و نگهداری گونه حفاظت‌شده گوزن زرد تخریب و گوزن‌ها ناپدید شدند. این اتفاق فروردین سه‌سال پیش در سایت کرخه رخ داده بود و آن زمان ۳۵ گوزن گم شده بودند. روز شنبه مدیرکل دفتر حیات‌وحش سازمان محیط‌زیست گفت که تنها نقطه امیدواری آن است که هنوز لاشه‌ای پیدا نشده است و گوزن‌ها شناگران ماهری‌اند. حالا اما محمد نصرتی، رئیس گروه پستانداران در دفتر حیات‌وحش و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط‌زیست به «شهروند» می‌گوید، به پیداشدن گوزن‌ها امیدوار نیست. او در این گفت‌وگو از آخرین وضع گوزن‌های زرد می‌گوید؛ گونه‌ای از خانواده گوزن‌سانان ایران که در معرض خطر انقراض است و در فهرست قرمز اتحادیه بین‌المللی حفاظت از محیط‌زیست (IUCN) قرار دارد. گوزن‌های زرد در عراق، اردن، لبنان، فلسطین، سوریه و ترکیه منقرض شده‌اند و تنها ۲۵۰ تا ۳۰۰ رأس‌شان در ایران باقی مانده است.

• آقای نصرتی از وضع گوزن‌های زرد خبر تازه‌ای داده نشده؟ دو روز پیش خبر داده‌اند که یک گوزن را نجات داده‌اند.

با طغیان دز، زیستگاه گوزن غرق شده و از خوزستان هنوز گزارش تکمیلی به ما نداده‌اند. آن گوزن ماده‌ای که نجات دادند، تنها گوزن زرد سایت کرخه بود اما مربوط به طبیعت نبود. ما دو سایت نگهداری برای این گونه داشتیم؛ یکی کرخه و دیگری دز. در کرخه چندسال پیش بیماری میاز شایع شد و ۹۰ گوزن مردند. گوزنی که پیدا شد، تنها گوزن باقیمانده آن جمعیت بود. دز هم سال ۹۵ دچار سیلاب شده بود و آن زمان هم عده‌ای خودشان را نجات دادند. براساس آخرین اطلاعات حدود ۲۰ تا ۳۰ گوزن در دز وجود داشته است که با سیل و بارندگی اخیر دیگر اثری از آنها نیست. امیدواریم استان گزارشی بدهد و بدانیم چند تا توانسته‌اند خودشان را نجات دهند.

• با این حجم آبگرفتگی، اصلا احتمال می‌رود که نجات پیدا کرده باشند؟

بعد از سیلاب ۹۵، آخرین شمارش وجود ۲۰-۳۰ گوزن را در این زیستگاه نشان می‌داد. البته سرشماری‌اش هم آسان نبود؛ تنها نشانه‌های مستند مربوط به ۲ تا ۳ گوزن بود و باقی نمایه‌هایی مثل مدفوع و آثار چَرا بود. حالا هم با وجود شدت سیلاب و مدت زمانی که گذشته، به نظر من احتمال زنده‌ماندنشان بعید است.

• در ایلام چطور؟ آبگرفتگی‌ها به سایت این شهر آسیب‌نزده؟

نگرانی ما درغرب کشور تا امروز برای مرکز دز بوده. برابر پیگیری‌ها گونه‌های مرکز تکثیر و پرورش گوزن زرد ایلام مشکلی ندارند و مرکز هم پابرجاست، اما دز به کلی تخریب شده.

• کی می‌شود دوباره این مرکز را احیا کرد؟

فکر نمی‌کنم بشود برای بار سوم جمعیت گوزن زرد را در دز و کرخه احیا کنیم. به نظر من با توجه به تجربه‌ای که داشته‌ایم، این کار دیگر منطقی نیست.

• یعنی زیستگاه دز و کرخه را به‌طور کلی از دست دادیم؟

دز و کرخه آخرین زیستگاه طبیعی گوزن زرد بود. آخرین بقایای گوزن زرد در این دو نقطه مشاهده شده بود. اگرچه سنگ‌نوشته‌ها و حجاری‌ها نشان می‌دهد سرتاسر غرب کشور زیستگاه گوزن زرد بوده است. درحال حاضر منطقی‌تر این است که دوباره مکان‌یابی و نقاطی در غرب کشور را که مستعدند برای رهاسازی و پرورش شناسایی کنیم. دز و کرخه آخرین بقایای گوزن زرد را در خود داشت؛ جمعیت گوزن‌ها آن‌قدر کم شده بود که آخرین بقایای جمعیتی‌شان تنها در این دو نقطه زندگی می‌کرد. با این همه من بدون‌شک به وجود زیستگاه‌های دست‌نخورده‌ای در غرب کشور امید دارم که قابلیت رهاسازی گوزن زرد را دارد.

• چه خبر از گوزن‌های جزیره اشک؟ پیشتر در گفت‌وگویی با «شهروند» از نبود بودجه برای سرشماری گونه‌های این جزیره گفته بودید.

بر اساس هماهنگی‌های پیش، قرار بود ششم فروردین، به جزیره برویم اما بارندگی‌های نامتعارف شروع شد. وقتی با استان هماهنگ کردم، گفتند رفتن به جزیره اشک خیلی مشکل است و به همین دلیل کار را نگه داشته‌ایم تا زمانی که وضع هوا مناسب‌تر شود. اواخر فروردین، یک تیم به جزیره خواهد رفت. خیلی از بابت این جزیره نگران هستیم؛ سه‌سال است که از جمعیت‌شان اطلاع دقیقی نداریم و بنا بود سرشماری در اولین فرصت انجام شود. بارندگی‌ها دسترسی را سخت کرده اما از طرف دیگر سطح آب را به‌حدی رسانده که حالا می‌شود با قایق تا جزیره رفت.

• سازمان محیط زیست برنامه‌ای برای احیای گوزن زرد ندارد؟

گوزن زرد پیش از این هم برنامه عمل داشته اما این برنامه از چهارسال پیش به دلیل نبود بودجه آن‌طور که باید انجام نشده است. با بودجه‌های قطره‌چکانی نمی‌شود این گونه را حفظ کرد و پرورش داد و بخشی از جمعیتش را به زیستگاه طبیعی معرفی کرد. تا امکانات نباشد، وضع همین است؛ هر سال باید این مرگ‌ومیر را ببینیم و شاهد یک افزایش جمعیت مشخص باشیم.

> **گوزن‌های زرد گونه‌ای از خانواده گوزن‌سانان در معرض خطر انقراض ایران است و در فهرست قرمز اتحادیه بین‌المللی حفاظت از محیط‌زیست (IUCN) قرار دارد**
>
> **گوزن‌های زرد در عراق، اردن، لبنان، فلسطین، سوریه و ترکیه منقرض شده‌اند و تنها ۲۵۰ تا ۳۰۰ رأس‌شان در ایران باقی مانده است**

• در روزهای اخیر در استان گلستان هم ۱۶۰ رأس قوچ و میش از بین رفته. هنوز دلیل این تلفات مشخص نشده است؟ ماجرا به سیلاب یا آن‌طور که بعضی منابع گفته‌اند، به سرمای هوا ربطی ندارد؟

همکاران دامپزشک ما برای جمع‌آوری نمونه به منطقه رفته‌اند و ما منتظریم که جواب آزمایش این نمونه‌ها داده شود تا مطمئن‌تر درباره دلایل این اتفاق صحبت کنیم. بعید است سرمای هوا آنها را کشته باشد. گفتیم که لااقل آمار هواشناسی را بگیرند تا بدانیم برودت هوا در نزدیک‌ترین مرکز هواشناسی چقدر بوده است. این حیوانات در دمای منفی ۳۰ درجه هم به راحتی به زندگی‌شان ادامه می‌دهند و باید بدانیم آنها از چه درجه‌ای از دما صحبت می‌کنند که می‌تواند این تعداد حیوان رابکشد.

• بعد از سیلاب آخرین آمار جمعیت گوزن‌های زرد در ایران چقدر است؟

آمار حداکثری ما ۲۵۰ تا ۳۰۰ رأس است. با توجه به این‌که پیش از این هم به دلیل سیلاب و بیماری در دز مرگ‌ومیر داشتیم، این سری جمعیت کمتر بوده و نهایت ۲۰ تا ۳۰ رأس کم شده است.

• در نقاط سیل‌زده دیگر کشور، نگرانی برای گونه‌های مختلف حیات‌وحش وجود ندارد؟

در بلایای طبیعی همیشه نگرانی‌هایی برای حیات وحش هم وجود دارد. در زلزله بارها شاهد بوده‌ایم که کَل و بزها از بلندی افتاده و مرده‌اند، اما امیدواریم که تلفات حداقل بوده باشد. درحال حاضر نمی‌دانیم این سیلاب گسترده به جوامع انسانی چقدر ضرر زده؛ وای به حال حیات وحش که احتمالا نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد.

• معمولا در بحران‌های این‌چنینی، وضع در حوزه حیات وحش چطور مدیریت می‌شود؟ مثلا بعد از این برای دز چه باید کرد؟

اصلی‌ترین واکنش ما باید درس گرفتن باشد. درس‌های طبیعت معمولا پرهزینه است اما درسی که این‌جا می‌گیریم هم باید بازبینی درباره کرخه و دز باشد. همان زمان که در دهه ۸۰ بنا شد مرکز تکثیری در خوزستان ایجاد شود، بهتر بود نقشه‌های پایه را می‌دیدند و مرکز را در جایی که سیلابی بود، برپا نمی‌کردند. دانش من این‌طور می‌گوید. ما در دو سال اول دانشگاه همین علوم پایه را خوانده‌ایم؛ اقلیم چیست؟ بارندگی چیست؟ نقشه خاک چیست و اینها. به نظر می‌آید با در نظر گرفتن این موارد، خیلی راحت‌تر از اینها بشود با رانش زمین و آبگرفتگی مواجه شد، ولی متاسفانه برنامه‌ریزی درباره محیط زیست هم سلیقه‌ای شده؛ برای همین است که فقط رفتند یک جا را دیدند و گفتند مرکز را همین جا برپا کنیم. وقتی یک سیستم دولتی می‌خواهد کاری کند، به نظر می‌آید لازم است تعمق بیشتری کند.

سیل با مناطق چهارگانه استان فارس چه کرد

خوزستان و لرستان هنوز با سیلاب بهار ۹۸ دست به گریبان‌اند، اما با فروکش کردن سیل در فارس معلوم شده مناطق چهارگانه تحت حفاظت محیط‌زیست این استان چقدر آسیب دیده‌اند. به گفته جمشید محبت خانی فرمانده یگان حفاظت سازمان حفاظت محیط‌زیست، براساس گزارش‌ها، ۵۰۰ متر از فنس‌ها و ۲۰۰ کیلومتر از راه‌های ارتباطی تحت مدیریت در مناطق چهارگانه استان فارس تخریب شده است. علاوه بر این ۳۰ آبشخور حیات وحش، ۵ کیلومتر خطوط انتقال آب، ۲۰ چشمه، قنوات و تجهیزات مربوطه و همچنین ۵ ساختمان محیط‌بانی در مناطق چهارگانه استان فارس آسیب دیده و برخی هم تخریب شده‌اند.

مناطق حفاظت شده گلستان از سیل آسیبی ندیده، اما آسیب و خسارات ناشی از سیل در استان‌های خوزستان و لرستان در دست بررسی است و شواهد نشان می‌دهد که خسارات وارده در این دو استان نسبت به استان‌های دیگر بیشتر خواهد بود.

۱۶۰ قوچ و میش گلستان در برف تلف شدند

روزهای جمعه و شنبه نهم و دهم فروردین، از پارک ملی گلستان خبر آمد که تعداد زیادی قوچ و میش در سنین مختلف تلف شده‌اند. این طور که مجید خرازیان مقدم، مدیرکل دفتر حیات وحش و آبزیان آب‌های داخلی گفته، بررسی‌های اولیه حاکی از آن است که تلفات بیشتر مربوط به هفته‌های گذشته است و به نظر می‌آید این تلفات به خاطر سرما و کولاک و برف یکی دو هفته گذشته در استان و پارک ملی گلستان بوده باشد. با این همه مسئولان سازمان محیط‌زیست در انتظار نتیجه آزمایش‌ها درباره دلایل این تلفات هستند.

سیلاب ماهی‌های پرورشی را کشت و با خود برد

شدت باران و سیلاب در هفته‌های گذشته چنان بوده که علاوه بر حیات وحش و محیط زیست، گونه‌های پرورشی هم آسیب زیادی دیده‌اند. سه روز پیش از استان همدان خبر آمد که بارش برف و باران یک‌میلیون بچه ماهی قزل آلای نهاوند را تلف کرده است. این طور که حسین خردمند، رئیس جهاد کشاورزی نهاوند به باشگاه خبرنگاران جوان گفته، این بارش‌ها در رودخانه گاماسیاب که مزارع اصلی پرورش ماهی در نهاوند است، باعث تلف شدن بیش از یک‌میلیون بچه ماهی قزل‌آلا شده و حداقل ۳واحد پرورش ماهی نهاوند بین ۵۰ تا ۱۰۰درصد خسارت‌دیده است. آبزی‌پروران خوزستان و لرستان هم متحمل خسارات سنگینی شده‌اند. نبی الله خون میرزایی، رئیس سازمان شیلات کشور گفته که میزان خسارت به آبزی پروری ماهیان سردابی و گرمابی این دو استان پس از فروکش کردن سیلاب برآورد و اعلام خواهد شد. به گفته او طغیان رودخانه کرخه خساراتی به مراکز تکثیر ماهیان گرمابی شهید ملکی شهرستان دشت آزادگان وارد کرده و تعداد زیادی ماهی پرورشی به همراه تأسیسات پمپاژ در مراکز پرورش ماهی خوزستان از بین رفته، اما بیشترین میزان خسارت متوجه آبزی پروران شوشتر و کارون است.